

عوامل تحکیم بنیان خانواده در قرآن و روایات

محمد حسن امیری نژاد^۱

چکیده

کانون خانواده منبع صفا، محبت و مایه تکامل روحی، اخلاقی و اجتماعی انسان است. رشد عاطفی، بهبود وضع اقتصادی، بلوغ اجتماعی از کانون گرم خانواده شکل می‌گیرد. رسیدن به این کمالات در صورتی میسر است که ارکان خانواده بر بنیان استواری پایه‌گذاری شده باشد و با برنامه ریزی صحیحی ادامه یابد. تحمل بسیاری از زحمات طاقت فرسای زندگی، محصول محبت است و وجود آن در خانواده، انسان را به فعالیت و تلاش و امید و امیدوار می‌دارد.

واژگان کلیدی: خانواده، محبت، تفاهم، وظایف، متانت.

۱. دانش آموخته سطح چهار حوزه

مقدمه

از محیط هایی که انسان غالباً از آغاز تا پایان زندگی رابطه ای تنگاتنگ و سرنوشت ساز با آن دارد کانون خانواده است. حال باید دانست برای موفقیت در زندگی خانوادگی کسب چه مهارت هایی ضرورت دارد. بدون شک از جمله مهم ترین مهارت های زندگی خانوادگی، آشنایی نسبت به عوامل تحکیم بنیان خانواده و عمل براساس این مبانی است. خوش بختانه دین اسلام با دقت در تمام جوانب نیازهای انسان، در این مسأله هم مثل سایر موارد دیدگاهی کامل و روشن گرانه دارد. شیوه های دین، آمیزه ای از شیوه های شناختی، عاطفی و رفتاری است. هم به نیازهای مادی توجه دارد و هم به نیازهای معنوی. هم بعد شناخت و عقلانیت را در برمی گیرد، هم بعد عاطفی و هم بعد رفتار را. بنابراین آموزه های دین، هم جامع نگرند و هم واقع نگر.^۱

عوامل فراوانی در تحکیم خانواده مؤثرند که در مطالب ذیل، به مهمترین آن ها اشاره می شود:

۱. ایمان و فضیلت گرایی اعضای خانواده

در قرآن توصیه های مکرری به تقوا در تشکیل خانواده شده است، چنان که می خوانیم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا».^۲ ای مردم! از مخالفت پروردگارتان بپرهیزید، همان کسی که همه ی شما را از یک انسان آفرید، و همسر او را از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت و از خدایی بپرهیزید که هنگامی که چیزی از یک دیگر می خواهید نام او را می برید از قطع رابطه با خویشان خود بپرهیزید، زیرا خداوند مراقب شماست.

همچنین خداوند در سوره ی بقره، شرط ازدواج با مشرکان را ایمان آن ها دانسته است: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ».^۳ و با زنان مشرک و بت پرست تا ایمان نیاورده اند، ازدواج نکنید، کنیز باایمان از زن آزاد بت پرست بهتر است، هر چند [مال و زیبایی او شما را به شگفتی آورد.

استدلال قرآن در آیه چنین است که گرچه مشرکان به دلیل آزاد و زیبا بودن، برتری ظاهری دارند، اما چون زناشویی با آنان باعث لغزش های اخلاقی و عقیدتی فرد مسلمان می شود، کنیزان و بردگان مسلمان بر آنان ترجیح دارند. این امر برای جوانان که گاه سخت شیفته و شیدای جمال و زیبایی ظاهری یا موقعیت مادی و اجتماعی، طرف مقابل می شوند و ارزش های دینی و معنوی را فدای آن می سازند، هشدار و رهنمون مناسبی است. گفتنی است بسیاری از ازدواج هایی که براساس زیبایی های ظاهری شکل گرفته، بعدها از هم فرو پاشیده است.^۴ در واقع این آیه تاکید بر ایمان، عقیده و فرهنگ مشترک است.^۵

۲. عشق و محبت میان اعضای خانواده

انسان تشنه ی دوستی و محبت است. انگیزه ی بسیاری از تلاش ها و زحمات طاقت فرسای زندگی، محبت است و وجود آن در خانواده، انسان را به فعالیت و کسب معاش و می دارد. حفظ حرمت و شخصیت دیگران، در گرو احترامی است که در برخوردها از انسان ظاهر می گردد. رعایت این مسئله خصوصاً از سوی کسانی که با هم انس و الفتی دارند باعث استحکام دوستی و گرمی روابط خواهد شد که بارزترین مصداق آن خانواده است. در واقع، اخلاق نیک به مثابه روغنی است که از سایش و فرسودگی قطعات انسانی در اثر برخورد و اصطکاک مداوم جلوگیری می کند.

همچنین امام صادق(ع) در سخن دیگری بر کوشش در مهرورزی نسبت به برادران دینی تأکید نموده و چه نیکوست که این امر از خانواده آغاز گردد: «شایسته است مسلمانان در ... و یاری بر مهرورزیدن به هم کوشا باشند که خدای عزوجل فرموده: «رحماء بینهم»^۶. مهر و محبت اعضای خانواده به همدیگر سبب جلب رضایت و رحمت خدا می شود که بدیهی است چنین خانواده ای پایدار و سعادت‌مند است. در این رابطه پیامبر(ص) می فرماید: «هنگامی که مرد به زن خود با مهر و صفا بنگرد و همسرش همان سان به او نگاه کند، خدای فرزانه به آن دو به دیده ی مهر می نگرد»^۷.

اما در عین حال، حدود عواطف خانوادگی باید رعایت گردد. هر گاه عضوی از خانواده به مرحله‌ای از فساد و گمراهی برسد که راهی برای نجات او نباشد باید آن را از خانواده جدا و دیگر اعضا را از شر او محفوظ داشت؛ همچون عضوی که در اثر صدمه یا بیماری ناعلاج، از بدن جدا می گردد تا موجب عفونت و تباهی دیگر اعضای بدن نشود. فاتحان این میدان، نوح(ع) و لوط(ع) هستند که همسر و فرزند خود را به سبب فساد دینی ترک گفتند. آنان حدود عواطف خانوادگی را بر رعایت حدود الهی منطبق ساختند. آیات ۴۵، ۴۶ و ۸۱ سوره ی هود بیانگر این حقیقت است، تا الگویی برای دیگر انسان ها ارائه شده باشد.

۳. آشنایی کامل اعضای خانواده با حقوق و وظایف خود

حق و وظیفه از هم جدا نیستند، یعنی هر کس حقی داشته باشد، در مقابل وظیفه ای نیز دارد و بالعکس. این موضوع در مورد تمام افراد بشر ثابت است و تنها خداست که حقوقی دارد اما وظیفه ای بر او نیست.^۸

بدیهی است که اعضای خانواده نیز نسبت به هم حقوق و وظایفی دارند:

الف. حق والدین بر فرزندان

امام سجاده(ع) در رساله‌ی حقوق، حق پدر و مادر بر فرزندان را این گونه بیان می‌فرماید: «حق مادرت این است که بدانی او تو را حمل کرده آن گونه که کسی، کس دیگر را حمل نکند و از شیر ی جاننش تو را خورانده آن گونه که کسی دیگری را نخوراند؛ و به راستی، او با گوش و چشم و دست و پا و مو پوست و تمام اندامش تو را نگه داری کرده و از این نگه داری، خشنود و شاد و پیوسته کار بوده است.

و هر ناگواری و رنج و سختی و نگرانی را تحمل کرده تا این که دست قهرطبیعت را از تو دور سازد؛ و تو را به دنیا آورده و آن گاه خشنود بوده که تو سیر باشی و او گرسنه باشد، تو پوشیده باشی و او برهنه ماند، تو را بنوشاند و خود تشنه ماند، تو را در سایه دارد و خود در آفتاب باشد، با تنگنایی خویش به تو نعمت بخشد، با شب بیداری تو را شیرینی خواب چشاند و شکمش آوند وجود تو و دامنش پرورش تو و پستانش مشک نوشین تو و وجودش پرستار تو بوده. گرم و سرد دنیا را برای تو و به خاطر تو به جان خریده پس به اندازه ی این همه تلاش مادر سپاسش دار و جز به یاری و توفیق خداوند، تو را یارای آن سپاس داری نباشد.

حق پدرت این است که بدانی به راستی او ریشه ی توست و تو شاخه ی اوئی و چون او نبود تو نیز نبودی. پس هرگاه در خویش چیزی دیدی که پسندیده آمد پس آگاه باش که این نکویی در تو، ریشه در پدرت دارد پس خدای را ستایش نما و به اندازه ی آن نکویی، سپاسش دار» و لا قوة الا بالله».^۹ از این جاست که انسان در می یابد چرا خداوند مسئله ی نیکی به پدر و مادر و شکر زحمات آن ها را مقدمه ای بر شکر خود شمرده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ

وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي».^{۱۰} ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند ... می گوید: پروردگارا مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی به جا آورم و کار شایسته ای انجام دهم که از آن خشنود باشی و فرزندان مرا صالح گردان.

ب. حق فرزندان بر والدین

در این مورد نیز امام سجاده (ع) در رساله ی حقوق فرمودند: «حق فرزند تو این است که بدانی او از توست و در پسند و ناپسند دنیای زود گذر، دنباله روی توست و به درستی که تو در تربیت نیکو و راهنمایی به سوی پروردگارش و یاری رسانی او در فرمان پذیری از خداوند نسبت به خویشتن و حق فرزندت پرسیده خواهی شد. پس (اگر وظیفه ات را به انجام رسانی) پاداش گیری و (چون کم کاری کنی) بازخواست شوی. پس کار فرزندت را چونان کسی که کارش را در این سرای زودگذر با نیکو ثمری بیاراید، انجام بده و در روابط تو و فرزندت به سبب نگه داری خوب و ثمر الهی که از او گرفته ای نزد پروردگار، عذرت پذیرفته باشد و لا قوة الا بالله».^{۱۱}

برای فرد بی قرار و بی تاب، هم آسیب ناشی از مصیبت می ماند و هم آسیب های ناشی از بی تابی ها و لذا اگر بی تابی بر کسی چیره شود روی آسایش را نخواهد دید. پیامبر (ص) در این باره می فرماید: «من استولی علیه الضجر رحلت عنه الراحة؛ کسی که بی تابی و تنیدگی بر او چیره شود، آسودگی از او رخت بریندد».

ج. وظیفه زن و مرد نسبت به کل خانواده

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ».^{۱۲} دستور امر به معروف و نهی از منکر یک دستور عام است که همه ی مسلمین نسبت به یک دیگر دارند ولی از این آیه و نیز روایاتی که درباره ی حقوق فرزند و مانند آن در منابع اسلامی وارد شده، به خوبی استفاده می شود که انسان در مقابل همسر و فرزند خویش مسئولیت سنگین تری دارد و موظف است تا آن جا که می تواند در تعلیم و تربیت آن ها بکوشد، آن ها را از گناه بازدارد و به نیکی ها دعوت نماید، نه این که تنها به تغذیه ی جسم آن ها اکتفا کند.^{۱۳}

امام علی(ع) در این مورد فرمودند: «اعلموا انفسكم و اهليكم الخير و ادبواهم». خود و خانواده ی خویش را نیکی بیاموزید و آن ها را ادب کنید. «پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز فرمودند: «بدانید همه ی شما نگهبانید و همه در برابر کسانی که مأمور نگهبانی از آن ها هستید، مسئولید ... مرد، نگهبان خانواده ی خویش است و در مقابل آن ها مسئول، زن نیز نگهبان خانواده، شوهر و فرزندان است و در برابر آن ها مسئول است».^{۱۴} در آیه دیگری از قرآن می خوانیم خطاب خدا به پیامبرش را که: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ». خانواده ی خود را به نماز فرمان ده.^{۱۵}

د. حقوق و وظایف زن و شوهر نسبت به یک دیگر

طبق آیه ی: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ».^{۱۶} همان طور که مرد بر زن حقوقی دارد، زن نیز بر مرد حقوقی خواهد داشت. یعنی طرفین نباید از حقوق خود سوء استفاده کنند بلکه بایستی حق

یک دیگر را به صورت شایسته ادا کنند؛ چنان که در آیه از لفظ «بالمعروف» استفاده شده است.^{۱۷}

در ادامه مهمترین وظایف متقابل همسران اشاره شده است:

مهرورزی

همان طور که گفته شد، اساساً کانون خانواده براساس حس مهرورزی شکل می گیرد؛ مهرورزی با قلب، زبان و عمل. چنان که بنیاد خانواده براساس مهر و عشق ورزی است، بقا و ماندگاری آن نیز مرهون استمرار آن است و زندگی‌ای که براساس ارزشهای روحی و معنوی شکل گرفته باشد ماندگار است چرا که زیبایی‌های معنوی پایان ناپذیرند.^{۱۸}

امام سجاده (ع) در مورد ضرورت مهرورزی به همسران چنین فرمودند: «حق همسرت آن است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه‌ی سکون و همنشینی تو قرار داده است و باید بدانی که او نعمت خداوند بر توست. پس او را گرمی بدار و با او با رفق و مدارا برخورد نما و هر چند حق تو بر او بیشتر است، اما حق او بر تو این است که با او مهربانی کنی».^{۱۹} علاوه بر همدلی و همراهی.^{۲۰} تقدس حق شوهر بر زن چنان بالاست که هم ردیف شرکت در جهاد فی سبیل الله قرار گرفته، چنان که امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «جهاد المرأة حسن التبعل» جهاد زن، نیکو همسرداری کردن است.^{۲۱}

خداوند در یک کلام، حق و وظیفه‌ی میان زن و شوهر را روشن نموده است: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ».^{۲۲} که حکایت از پیوند تنگاتنگ مرد و زن چونان نزدیکی پیراهن و تن دارد. خداوند بیان می‌دارد که همسران مایه‌ی زینت همد؛ عیب‌های یک دیگر را می‌پوشانند، یک دیگر را محافظت می‌کنند و از گناه باز می‌دارند. لذا این تعبیر نهایت نزدیکی

همسران را نشان می دهد و مساوات آن ها را با به کار بردن لفظ و کلمات مشابه رعایت نموده است.^{۲۳}

مهر و محبت اعضای خانواده به همدیگر سبب جلب رضایت و رحمت خدا می شود که بدیهی است چنین خانواده ای پایدار و سعادتمند است. در این رابطه پیامبر(ص) می فرماید: «هنگامی که مرد به زن خود با مهر و صفا بنگرد و همسرش همان سان به او نگاه کند، خدای فرزانه به آن دو به دیده ی مهر می نگرد».

تفاهم و همکاری میان اعضای خانواده

مهمترین عاملی که سبب تفاهم و همکاری اعضای خانواده می گردد وجود روحیه ی مشورت در خانواده است که در عین ایجاد خانواده ای مستحکم و صمیمی، بهترین محافظ در برابر مشکلات و موانع زندگی نیز هست. مولی علی(ع) فرمودند: «و لا ظهیر کالمشاوره» هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست.^{۲۴} در طول تاریخ زندگانی بشر نیز بهترین و مستحکم ترین کانون های خانوادگی، آن هایی بوده اند که در آن، زن و شوهر و فرزندان با همفکری و همکاری حرکت نموده اند. نمونه ی بارز و برترین الگوی آن، در زندگی امام علی(ع) و حضرت زهرا(س) به چشم می خورد. اما خانواده هایی که اعضای آن در امور خیر و معنوی، همکار و همفکر نیستند چنین نیستند که در ذیل به سه نمونه اشاره می گردد:

الف. خانواده ای که مرد، خوب اما زن بد است، مثل لوط(ع) و نوح(ع) و همسران شان.

ب. خانواده ای که زن، خوب اما مرد بد است، مثل آسیه و فرعون.

ج. خانواده‌ای که در خبائث همفکر و همکارند نه امور خیر، مثل ابو لهب و همسرش.^{۲۵}

۴. وجود روحیه ی صبر و متانت در فراز و فرودهای زندگی

فوری ترین و شایع ترین واکنش در برابر حوادث ناگوار و ناخوشایند، بی تاب‌ی کردن است. طبع اولیه ی انسان این است که در برابر ناخوشایی های زندگی بی تاب می گردد. قرآن می فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا، إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا» همانا انسان حریص و بی تاب آفریده شده است، هرگاه بدی به او برسد بی تاب می شود».^{۲۶}

امام کاظم (ع) فرمودند: «المصيبة للصابر واحدة و للجازع اثنتان». مصیبت برای شخص بردبار یکی است و برای شخص بی قرار دو تا».^{۲۷} و این از آن روست که برای فرد شکّیا تنها آسیب ناشی از مصیبت باقی می ماند که آن هم در اثر صبر، از هم فرو می پاشد. چنان که امام علی (ع) فرمودند: «الصبر يمحص الرزية».^{۲۸} شکّیایی مصیبت را از هم می پاشد. اما برای فرد بی قرار و بی تاب، هم آسیب ناشی از مصیبت می ماند و هم آسیب های ناشی از بی تاب‌ی ها و لذا اگر بی تاب‌ی بر کسی چیره شود روی آسایش را نخواهد دید.

پیامبر (ص) در این باره می فرماید: «من استولى عليه الضجر رحلت عنه الراحة».^{۲۹} کسی که بی تاب‌ی و تنیدگی بر او چیره شود، آسودگی از او رخت بربندد.

در قرآن نیز به صبر و بالا بردن سطح مقاومت بارها سفارش شده است: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»^{۳۰} قرآن به صبر و شکّیایی فراخوانده و علاوه بر این، الگوهای صبری چون یعقوب (ع)، ایوب (ع) و پیامبر گرامی اسلام (ص) و ... را نیز معرفی می نماید.^{۳۱}

۵. برخورداری از روحیه ی گذشت و تقویت آن

گذشت عاملی مؤثر در تقویت و حتی ایجاد دوستی ها است، چنان که خداوند می فرماید: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ». هرگز نیکی و بدی یک سان نیست. بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است.^{۳۲} و لذا اگر در دشمنی ها، گذشت و بزرگواری چنین تأثیری می-گذارد، بدیهی است در خانواده که به طور طبیعی روابط دوستانه وجود دارد عمیقاً کارساز خواهد بود. اما خود این گذشت ها و بزرگواری ها از ایمان و تقوای اعضای خانواده سرچشمه می گیرد چرا که امام سجاد(ع) فرمودند: «لاکرم الا بتقوی»؛ بزرگواری جز به پرهیزگاری نباشد.^{۳۳}

۶. حاکمیت صداقت در فضای خانواده

بی صداقتی ابتدا روح و شخصیت خود فرد را تخریب می سازد، سپس به خانواده و جامعه ی او زیان وارد می نماید. امام باقر(ع) فرمودند: «ان الکذب هو خراب الایمان؛ دروغ، ویران گر ایمان است».^{۳۴} پس چگونه می توان انتظار داشت گناهی که ایمان را از بین می برد؛ به خانواده ای که باید بر مبنای ایمان شکل بگیرد، صدمه وارد نسازد.

۷. مدیریت و برنامه ریزی صحیح در خانواده

خانواده به عنوان واحد کوچک اجتماعی نیازمند رهبری واحد است. قرآن روی سرپرستی مرد تأکید دارد و می فرماید: «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»؛ مردان سرپرست و نگهبان زنانند.^{۳۵} حضرت علی(ع) فرمودند: «از زنان بد بپرهیزید و مراقب نیکان شان باشید. در خواسته های نیکو همواره فرمان

بردارشان نباشید تا در انجام منکرات طمع نورزند».^{۳۶} (امام(ع) در این جملات فمینیسم و تفکر زن سالاری را نفی می فرمایند.

۸. رعایت اخلاق نیکو و ادب و احترام متقابل در خانواده

دارا بودن اخلاق خوش یکی از اصول بسیار مهم و سرنوشت ساز در حیات انسان ها است. خوش اخلاقی در محیط زندگی، نه تنها انسان را از انواع نگرانی ها و تشنجات عصبی مصون می دارد، بلکه عامل بسیار مؤثری برای پیروزی بر مشکلات و دشواری هایی است که برای انسان پیش می آید. امام صادق(ع) می فرمایند: «لا عیش اهنأ من حسن الخلق» حیاتی خوش گوارتر از خوش خلقی نیست.^{۳۷}

حفظ حرمت و شخصیت دیگران، در گرو احترامی است که در برخوردها از انسان ظاهر می گردد. رعایت این مسئله خصوصاً از سوی کسانی که با هم انس و الفتی دارند باعث استحکام دوستی و گرمی روابط خواهد شد که بارزترین مصداق آن خانواده است. در واقع، اخلاق نیک به مثابه روغنی- است که از سایش و فرسودگی قطعات انسانی در اثر برخورد و اصطکاک مداوم جلوگیری می کند. آمارها نشان می دهد که یکی از مؤثرترین عوامل فروپاشی خانواده ها، سوء خلق همسران است.

برخی از مفسران مقصود از آیه ی: «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ».^{۳۸} را که در توصیف همسران بهشتی است، زنان خیر، نیک منش، زیبارو و زیباسیرت دانسته اند. بر این اساس مقصود از «حسان» تنها زیبایی چهره و اندام نیست بلکه زیبایی سیرت نیز هست.^{۳۹} که بالطبع خوش خلقی از برترین مصادیق آن است، چنان که در حدیث است: «البر حسن الخلق؛ نیکویی بر خوی نیکوست».^{۴۰}

بی صداقتی ابتدا روح و شخصیت خود فرد را تخریب می سازد، سپس به خانواده و جامعه ی او زیان وارد می نماید. امام باقر(ع) فرمودند: «إِنَّ الْكَذِبَ هُوَ خَرَابُ الْإِيمَانِ».^{۴۱} دروغ، ویران گر ایمان است. پس چگونه می توان انتظار داشت گناهی که ایمان را از بین می برد؛ به خانواده ای که باید بر مبنای ایمان شکل بگیرد، صدمه وارد نسازد.

احترام فرزندان به پدر و مادر

در قرآن کریم می خوانیم: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ، وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا».^{۴۲} در این آیات، دستور احترام به پدر و مادر پس از مسئله ی توحید بیان گردیده و این نشان دهنده ی اهمیت این حکم است.

در این آیات سه دستور مهم در مورد نحوه ی رفتار با والدین آمده است:

۱. به کار نبردن کمترین تعابیر بی ادبانه (یعنی «اف» چه رسد به فریاد زدن بر آن ها).

۲. خضوع در برابر پدر و مادر.

۳. دعا در حق ایشان.^{۴۳}

احترام زن و مرد نسبت به یکدیگر

پایه و اساس خانواده، احترام و محبت زن و شوهر نسبت به هم و رعایت حقوق یک دیگر است. دین اسلام نیز در این زمینه بسیار سفارش نموده است.^{۴۴}

۹. وجود اعتماد در خانواده و پرهیز از سوء ظن

اعضای خانواده باید از سوءظن نسبت به هم پرهیزند و اگر موضوعی ذهن شان را به خود مشغول نمود، با صراحت و صداقت آن را مطرح نمایند تا درستی یا نادرستی آن بررسی گردد.^{۴۵}

۱۰. پرهیز از آفت حسد

همه ی اعضا بایستی یار هم در مسیر پیش رفت باشند چرا که سعادت خانواده در گرو سعادت فرد فرد آن است و حسد آفتی در روابط خانوادگی محسوب می گردد. چنان که در خانواده ی یعقوب(ع)، حسادت برادران یوسف(ع) بر او، موجب جدایی اعضای خانواده از همدیگرهم به لحاظ بعد مکانی و هم بعد روحی و روانی گردید؛ یوسف(ع) از کانون خانواده جدا شد و یعقوب(ع) سال ها از پسرانش دل رنجیده بود. در حدیثی از مولی امیر المؤمنین(ع) آمده: «الحسد ینکه العیش»؛ حسد زندگی را تنگ سازد.^{۴۶}

وفاداری اعضای خانواده نسبت به یکدیگر

رازداری یکی از مهم ترین شروط وفاداری همسراست که در آیه ی: «وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرِضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ»^{۴۷} به آن اشاره شده است. این نکته نیز بسیار اهمیت دارد که آتش خیانت، تمام خانواده ها را تهدید می کند چرا که انبیایی چون نوح(ع) و لوط(ع) از سوی همسران خود به آن مبتلا گردیدند:

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتِ نُوحٍ وَ امْرَأَتِ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِّنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ»^{۴۸} در هر صورت وفاداری اعضای خانواده سبب ایجاد

صمیمیت و محبت می گردد و نیز سپری است محکم در برابر مشکلات و سختی ها و پشتیبانی است پای دار جهت استحکام بنیان خانواده.

پی نوشت

۱. نساء/۱.
۲. بقره/ ۲۲۱.
۳. بقره/
۴. عبد الکریم بهجت پور و دیگران، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، معارف، ۱۳۸۵، ص ۲۴۸.
۵. معادی خواه، عبدالمجید، فروغ بی پایان قرآن کریم، ذیل لغت خانواده.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، آداب معاشرت از دیدگاه معصومین(ع) برگزیده‌ی وسائل الشیعه، ترجمه: محمدعلی فارابی و یعسوب عباسی علی کمر، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰.
۷. کرمی فریدونی، علی، نهج الفصاحه، قم، ماده حلم، ۱۳۸۵.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۱۰-۱۱۱.
۹. حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، قم، آل علی، ۱۳۸۷، ص ۴۶۰-۴۶۱.
۱۰. احقاف/۱۵.
۱۱. حرانی پیشین، تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، قم، آل علی، ۱۳۸۷، ص ۴۶۱.
۱۲. تحریریم/۶.
۱۳. حرانی پیشین، تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، قم، آل علی، ۱۳۸۷، ص ۴۶۱.
۱۴. حرانی پیشین، تحف العقول، ص ۲۹۴.
۱۵. طه/۱۳۲.
۱۶. بقره/۲۲۸.
۱۷. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۱۰-۱۱۱.
۱۸. عبد الکریم بهجت پور و دیگران، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، معارف، ۱۳۸۵، ص ۲۶۰.
۱۹. حرانی پیشین، تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، قم، آل علی، ۱۳۸۷، ص ۴۶۰.
۲۰. عبد الکریم بهجت پور و دیگران، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، معارف، ۱۳۸۵، ص ۲۶۱.
۲۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱.
۲۲. بقره/۱۸۷.
۲۳. مکارم شیرازی پیشین، تفسیر نمونه، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۵۰.
۲۴. نهج البلاغه، حکمت ۵۴.

-
۲۵. قرائتی، محسن، چهارصد نکته از تفسیر نور، تدوین: عباس بابائیان، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸، ص ۱۸۰.
۲۶. معارج/۱۹-۲۰.
۲۷. حرانی پیشین، تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، قم: آل علی، ۱۳۸۷، ص ۷۵۴.
۲۸. آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، امام عصر، ۱۳۸۵، ص ۵۰، ح ۶۹۷.
۲۹. پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، قم: دار الحدیث، ۱۳۸۴، ص ۲۲۸، به نقل از شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۵، ح ۵۷۶۲.
۳۰. بقره/۴۵.
۳۱. عبد الکریم بهجت پور و دیگران، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: معارف، ۱۳۸۵، ص ۲۰۳.
۳۲. فصلت/۳۴.
۳۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، بی جا، ارمغان طوبی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۶ و ۳۷، ح ۶۲.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۳۳۹، ح ۴.
۳۵. مکارم پیشین، تفسیر نمونه، قم: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ذیل آیه ی ۳۴ سوره ی نساء.
۳۶. نهج البلاغه، خطبه ی ۸۰.
۳۷. اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ تربیت، قم: دلیل ما، ۱۳۸۵، ص ۲۵۹.
۳۸. الرحمن/۷۰.
۳۹. عبد الکریم بهجت پور و دیگران، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم: معارف، ۱۳۸۵، ص ۲۵۱؛ تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۱۸۷، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی.
۴۰. قاضی قضاعی، شهاب الاخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم)، [بی جا]: علمی، ۱۳۶۱، ص ۱۷، ح ۴۳.
۴۱. کلینی پیشین، الکافی، ج ۲، ص ۳۳۹، دار الکتب الاسلامیه، چاپ: چهارم تهران، ۱۴۰۷ ق.
۴۲. اسراء/۲۳-۲۴.
۴۳. مکارم پیشین، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲، ج ۱۲، ص ۷۵-۷۶.
۴۴. مجتبی حسینی، احکام روابط زن و شوهر «پرسش ها و پاسخ های دانش جویی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، دفتر نشر معارف»، ۱۳۸۸، ص ۵۵.
۴۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۵۲.

۴۶. آمدی پیشین، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه: محمدعلی انصاری، قم: امام عصر، ۱۳۸۵،

ح ۸۵۱

۴۷. تحریم/۳.

۴۸. تحریم/۱۰.